

ناقضان حقوق بشر در ایران، با بازداشت و پرونده سازی برای معترضان، پرونده خود را سنگین‌تر

می‌کنند!



روز هشتم مارس ۲۰۱۸ برابر با ۱۷ اسفند ۱۳۹۶، تعدادی از زنان و مردان آزادی خواه و برابری طلب، برای گرامی داشت روز جهانی زنان و در اعتراض به تبعیض و بی عدالتی جنسیتی در ایران، جلوی وزارت کار گرد هم آمدند.

برخی نیز همان روز در دیگر نقاط تهران در متروها و پارک‌ها، درباره تبعیض و بی عدالتی به زنان، با دیگر زنان شهر به گفت و گو پرداختند و با برداشتن روسری از سر و خواندن «سرود زندگی» این حرکت‌های خودجوش را سامان دادند.

ماموران امنیتی و اطلاعاتی، با لباس شخصی و لباس فرم، اطراف وزارت کار را تحت کنترل خود در آورده بودند و پیش از آنکه تجمعی صورت گیرد، باخشونت و ضرب و شتم شدید، با حاضران در آن محل برخورد کرده و ۸۴ نفر (۵۹ زن و ۲۵ مرد) را بازداشت کردند. بازداشت شدگان را ابتدا به کلانتری ۱۳۷ گیشا و سپس به زندان موقت وزرا منتقل کردند. در آنجا تعدادی را با تهدید آزاد و تعدادی را به داسرای شماره ۲۱ ارشاد منتقل و پرونده سازی برای آن‌ها

را آغاز کردند. پس از بازجویی و اذیت و آزار آن ها، حدود ۱۴ نفر از زنان زندانی را برای تنبیه، به زندان قرچک ورامین و تعدادی از مردان را به زندان فشافویه قم منتقل نمودند و پرونده های شان را به دادسرای اوین فرستادند.

مسوولان جمهوری اسلامی، اگر کمی تیزهوشی داشتند، متوجه می شدند که دیگر دهه شصت نیست که بتوانند بابازداشت و تهدید و پرونده سازی یا اعدام و قتل دولتی معترضان، جلوی حرکت های مردمی را بگیرند. مردمی که ۳۹ سال آزادی کشتی و نابرابری و بی عدالتی را با گوشت و پوست شان لمس کرده اند و تمامی ترندهای لایه های مختلف قدرت جمهوری اسلامی را شاهد بوده اند، دیگر طاقت شان تمام شده است و عزم شان را جزم کرده اند که تا رهایی کامل از بیدادگری، توقف نکنند.

بی تردید در چنین شرایطی، افرادی که تا به حال پای شان به بازداشت گاه های جمهوری اسلامی باز نشده بود نیز با اولین بازداشت، ترس شان می ریزد و مصمم تر ادامه خواهند داد و هر چه جمهوری اسلامی خشونت خود را شدیدتر کند، حرکت های اعتراضی مردم بیشتر خواهد شد.

مردم ما در طی این سال های خون و جنون و فساد افسار گسیخته حاکمان اسلامی و انواع و اقسام بحران های ساختاری، در کنار مبارزه پیوسته و آهسته با جمهوری اسلامی؛ مدارا کردند، تاب آوردند، دندان روی جگر گذاشتند و خود را با شرایط موجود تطبیق دادند، فعالیت های شان را با شرایط موجود سامان دادند، با این امید که شاید شرایط بهتر شود، ولی نه تنها شرایط بهتر نشد، بلکه روز به روز با زندگی سخت تر و تحقیرآمیز تری دست به گریبان شدیم و بحران ها روز به روز عمیق تر شد. فعالان ما تلاش کردند فعالیت های شان را در حوزه آگاهی بخشی و بهبود حقوق کودک، حقوق زنان، حقوق دانشجویان، حقوق کارگران، حقوق معلمان، دادخواهان،

نویسندگان، شاعران، هنرمندان، ورزشکاران ادامه دهند و هم چنین برای بهبود محیط زیست، رفع بحران های آب، آلودگی هوا، بهداشت، تحصیل، آزادی اندیشه و بیان، رفع حجاب اجباری و رفع تبعیض های جنستی و قومی و نژادی تلاش های بسیاری صورت گرفت، ولی همه و همه این فعالان مورد هجوم حکومت قرار گرفتند، چون از بودن مردم با همدیگر می ترسیدند و نگران بودند که بی لیاقتی مدیران جمهوری اسلامی آشکار شود.

مردم ما در طی این سال ها به اشکال مختلف ایستادگی و تحمل کردند تا بتواند شرایط را تغییر دهند، با مبارزه پیوسته، با ایستادگی در برابر تحقیرها، با حرکت های خیابانی، با زندان رفتن، با اخراج شدن، با خود سازماندهی و کمک های مردمی، با تبعید و دوری از خانه و خانواده، با افشاگری، با نوشتن کتاب و داستان و شعر، با ساختن فیلم، با شادی کردن های کوچک، با مبارزه منفی برای تن ندادن به حجاب اجباری و و مقاومت در برابر تبعیض، حتی در ساده ترین شکل آن و در تمام این سال ها بعضی شان را فرو خوردند و تاب آوردند، ولی ساده ترین حرکت مردم نیز مورد هجوم حکومت قرار گرفت و هر چه را که نتوانستند بر سر مردم آوار کردند.

مردم باز تاب آوردند و به اشکال مختلف به مسوولان جمهوری اسلامی هشدار داده بودند که اگر به خ واسته های شان توجهی نشود، از جمهوری اسلامی گذر خواهند کرد و «خیزش دی ماه ۹۶»، چنین نقطه عطفی بود که به روشنی به حاکمان نشان دادند که دیگر تحمل شان طاق شده است و از تمامی وابستگی ان به جمهوری اسلامی گذر کرده اند و حرف شان این است:

«اصلاح طلب، اصول گرا دیگه تمامه ماجرا» و این روند ساختار شکنی و مبارزه مستمر برای تغییر، به سرعت و به اشکال مختلف در حوزه های مختلف و شهرها و

روستاها ادامه دارد و مردم دیگر تصمیم خود را گرفته‌اند و می‌خواهند خواسته‌های خود مانند خواسته های زیر را متحقق کنند:

- ۱- قانون مجازات اعدام و تمامی احکام اعدام در دست اجرا لغو گردد.
- ۲- اسامی تمامی زندانیان سیاسی و عادی در زندان های تهران و شهرستان ها شناسایی و به مردم اعلام شود.
- ۳- اسامی تمامی زندان های کشور شناسایی و به مردم اعلام شود.
- ۴- تمامی زندانیان سیاسی که بر مبنای عقیده و مرام خود در تهران و شهرستان ها و روستاها بازداشت شده اند، آزاد و پرونده سازی برای آن ها باطل اعلام شده و وثیقه ها و وسایل ضبط شده به آن ها باز گردانده شود.
- ۵- نهادهایی مردمی برای نظارت بر عمل کرد سیاسی مسوولان تاسیس شود و به مردم گزارش کار شفاف و مستند بدهند.
- ۶- اسامی تمامی افرادی که در اذیت و آزار مردم و در جنایت های دولتی ۳۹ ساله سهیم بوده اند، شناسایی و به مردم معرفی شوند.
- ۷- تمامی حقوق های معوق و طلب ها، به تضييع حق شدگان پرداخت شود.
- ۸- تمامی کارخانه های تعطیل شده، بازگشایی و بازسازی و فعال شوند.
- ۹- تمامی اخراج شدگان از محل های کار و تحصیل، به کارهای خود بازگردانده شوند.
- ۱۰- تمامی مزدگیران، حقوقی مطابق با استانداردهای زندگی و بالاتر از خطر فقر داشته باشند.
- ۱۱- حق داشتن زندگی انسانی و با کرامت و در اختیار داشتن مسکن، بهداشت و تحصیل بدون تبعیض و استفاده از منابع سالم آب، گاز، هوا در الویت قرار گیرد.
- ۱۲- حق آزادی اندیشه و بیان و تشکل و تجمع و اعتصاب محترم شناخته شود.

۱۳- حق کنترل بر بدن و پوشش اختیاری را به دست آورند.

۱۴- هر گونه تبعیض جنسیتی، قومی، نژادی، طبقاتی و دینی برچیده شود.

۱۵- قانون مجازات اسلامی برچیده و دین از دولت جدا شود.

۱۶-

مردم حق انتخاب شدن و انتخاب کردن داشته باشند و هیچ نهاد قانونی و شرعی، تصمیم گیر زندگی مردم نباشد.

۱۷- ...

و کشوری آزاد، آباد، بدون تبعیض و عادلانه بسازیم.

ما مادران پارک لاله ایران نیز همواره در کنار آزادی خواهان و جویندگان و پویندگان برابری و عدالت بوده و هستیم

و تا لغوکامل قانون مجازات اعدام، آزادی تمامی زندانیان سیاسی، و محاکمه و مجازات تمامی آمران و عاملان جنایت های سی و نه سال گذشته از پای نخواهیم نشست و به مبارزه خود برای دادخواهی و برقراری عدالت ادامه خواهیم داد.

مادران پارک لاله ایران

۲۰ اسفند ۱۳۹۶